

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: روش پاسخگویی به برخی شبهات واقعه غدیر

۱۳۹۶/۰۶/۰۲

کارگاه آموزشی منبر غدیر مدرسه دارالشفاء

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاه على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقيه الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا ان هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم. سپاسی دیگر که به ما توفیق ارزانی داشت تا در جمع شما بزرگواران، غدیر پژوهان و مدافعان حریم ولایت حضور پیدا کردیم. سخن در رابطه با شبهات بود و نکات زیبا و حساس از مقام معظم رهبری شنیدیم و به حق سخن دلنشین، زیبا و همچنین پیام لازم و ضروری بود.

از طرف دیگر هم ایشان دغدغه‌ای را اظهار کردند که خیلی‌ها حتی مسئولین ما یا از شبهات خبر ندارند و یا توانایی پاسخگویی به شبهات را ندارند؛ این هم دغدغه بزرگی هست!! اینگونه دغدغه‌ها بعضاً تلفاتی می‌دهد به طوری که در روحیه افراد زیادی اثرات منفی می‌گذارد.

دغدغه مقام معظم رهبری این است که بعضی از طلاب ما با شبهات آشنا نیستند و یا جواب شبهه را هم نمی‌دانند.

سابقاً ما روزهای پنج شنبه جلسات خوبی به عنوان پاسخ به جدیدترین شبهات وهابیت در مدرسه فیضیه داشتیم، اما از وقتی که «شبکه جهانی ولایت» تأسیس شد خودمان را به قدری گرفتار کار اجرایی کردیم به طوری که بسیاری از بحث‌های حوزوی را تعطیل کردیم.

بنده بارها گفتم با وجود سوابقی که ما در حوزه داشتیم مدیر یک شبکه رسانه‌ای بودن را شاید در حد ذاته برای خودم کسر شأن بدانم، اما به دلیل اینکه وظیفه و تکلیف هست در حد وظیفه در آنجا در خدمت دوستان هستیم.

در حال حاضر «شبکه جهانی ولایت» تنها شبکه‌ای هست که در مقابل وهابیت با تمام توان به میدان آمده و به ۳ زبان به صورت ۲۴ ساعته پخش می‌شود.

بنده به دوستان توصیه می‌کنم به هیچ وجه از برنامه‌های این شبکه غفلت نکنند، زیرا جدیدترین شبهات با بهترین جواب‌ها در «شبکه جهانی ولایت» در مقابل شبکه‌های شیطانی وهابی مقاومت می‌کند.

آقای «عرعور» ۱۷ سال بود که در شبکه‌های عربی "أنا رجل" می‌گفت، تحدی می‌کرد و میدان دار بود حتی در «شبکه المستقلة» مدعی بود که جناب آقای دکتر «عبد الزهرا تیجانی» و دیگران را شکست داده است.

ولی دو یا سه ماه قبل مناظره‌ای بین عزیزمان جناب آقای «ابوالقاسمی» و «عرعور» در «شبکه ولایت عربی» صورت گرفت به طوری که در بیست دقیقه اول ایشان مقاومت نکرد، بلکه فرار کرد.

برنامه «عرعور» برای همیشه از «شبکه وصال» عربی حذف شد!! به طوری که در فضای مجازی خود اهل سنت و وهابیت اعتراف به شکست «عرعور» کردند. وهابیت باور نمی‌کردند «عرعور» که ۱۷ سال میدان‌داری می‌کرد و "أنا

رجل" می‌گفت این‌طور مفتضحانه شکست بخورد!!

بعد از این مناظره هرچه دوستان، حتی اهل سنت اصرار کردند او روی برنامه بیاید، ایشان نتوانست بیاید. نیامدن ایشان به این دلیل بود که دوستان چند شبهه مطرح کردند و ایشان نتوانست پاسخ دهد.

مسئله‌ای که ما واقعاً از آن غافل هستیم، داشتن فن مناظره است. بعضی‌ها هستند علم دارند ولی فن مناظره را نمی‌دانند. بنده به فرمایش مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) نکته‌ای را اضافه کنم بعضی‌ها که هم با شبهات آشنا هستند و پاسخ شبهات را هم می‌دانند، ولی از فن مناظره بی‌اطلاع هستند.

به عنوان مثال جناب آقای «سقاف» یکی از علمای بزرگ اردن، شاید قوی‌ترین روحانی است که روی شبهات «ابن تیمیه» کار کرده و در پاسخ به شبهات هم من ایشان را یکی از نخبگان جهان معاصر می‌دانم البته با گرایش سنی!! ولی وقتی ایشان در «شبكة المستقلة» در برابر وهابیت مخصوصاً «عبدالرحمن الدمشقیه» ایستاد طرف مقابل به فن مناظره مسلط بود، اما این بزرگوار به فن مناظره تسلط نداشت.

بنده به خاطر دارم همان زمان حضرت آیت الله سبحانی و بعضی دوستان منزل ما تشریف آورده بودند و آنجا ماهواره را به صورت مستقیم می‌دیدیم. همه دوستان اذعان داشتند ایشان سرمایه علمی بسیار قوی دارد و توانایی پاسخ به شبهات را هم دارد، اما به فن مناظره وارد نیست.

در حال حاضر فن مناظره در حوزه‌های ما نسیا منسیا شده است. ضرورت دارد در حوزه علمیه قم و حوزه‌های علمیه تهران، مشهد و اصفهان به ویژه برای اساتید، فن مناظره گذاشته شود و عزیزان ما مقداری با این فن هم آشنا باشند.

تجربه‌ای که بنده داشتم البته (هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي) و از باب (وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ)؛ بحث‌هایی بود که با اساتید دانشگاه‌ها و مفتیان عربستان داشتیم، حتی به طائف رفتیم و با مفتی اعظم بحث و مناظره داشتیم.

در حقیقت بسیاری از مسائلی که در لابلای کتاب‌ها پیدا نمی‌شود از طریق مناظره برای انسان روشن می‌شود. در بحث و مناظره با وهابیت، هم نقاط ضعف خود انسان روشن می‌شود، هم نقاط ضعف طرف مقابل و هم نقاط ضربه پذیر آن‌ها به دست انسان می‌آید.

بنده بارها به دوستان توصیه می‌کنم در بحث و مناظره بحث‌های علمی و جواب‌های حلی جای خود را دارد، ولی کاری که یک جواب نقضی می‌کند صدها جواب حلی نمی‌تواند بکند.

یک جواب نقضی تار و پود فکری طرف مقابل را بهم می‌ریزد، اعصاب و روان طرف مقابل که خود را به عنوان حق مطلق و پیروز قطعی مناظره تلقی می‌کند خراب می‌کند. یک جواب نقضی، یک حمله نقضی و یک دفاع نقضی می‌تواند کمر طرف را در اولین لحظه به زمین بزند. لذا ما در پاسخ‌ها تلاش می‌کنیم تا اندازه‌ای که امکان داشته باشد از جواب نقضی استفاده کنیم، نه جواب حلی!

در همین چند ماه اخیر شبکه‌های وهابی نسبت به حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) رکیک‌ترین توهین را به کار بردند. همچنین به مادر مکرمه حضرت ولی عصر، حضرت نرجس خاتون (سلام الله علیها) شاید توهینی که رکیک‌تر از آن تصور نشود را مطرح کردند.

«شبکه جهانی ولایت» هم در این‌طور قضایا نمی‌تواند ورود پیدا کند. اگر بحث‌های علمی باشد انسان می‌آید، اما اگر فحش و اهانت باشد نمی‌تواند وارد شود.

ما رسماً اعلام می‌کنیم با فحش و توهین و اهانت سنخیتی نداریم و می‌گوییم: "شما هزاران فحش بدهید از ما فحش نخواهید شنید!!" در مقابل بچه شیعه‌ها در فضای مجازی هماهنگی کردند و حدود یک ماه و نیم هست که این چهار شبکه را با شبهات نقضی درگیر کردند.

توهین‌هایی که «صحيح بخاری» به همسر پیامبر، عایشه دارد، توهین‌هایی که «این تیمیه» و بزرگان وهابیت دارند را تک تک آمده‌اند مطرح کردند.

بچه شیعه‌ها تک تک پرسیدند: "شما در کتاب «صحيح بخاری» این روایت را دارید، جواب چیست!!" و آن‌ها را طوری سؤال پیچ کردند که یکی از کارشناسان وهابی در برنامه زنده حق‌شروع به گریه کرد. شبکه‌های مختلف وهابی به سؤالات شیعیان جواب‌های ضد و نقیض دادند.

الحمدلله رب العالمین به برکت همین ۴ تا بچه شیعه که در فضای مجازی و رسانه‌ای حضور دارند ۲ ماه هست وهابیت را با جواب نقضی مشغول کردند به طوری که وهابیت حتی یک شبهه هم علیه شیعه مطرح نکردند.

بچه شیعه‌ها توپ را در زمین وهابیت گذاشتند و آن‌ها توپ را به همدیگر پاس می‌دهند. اگر وهابیت ده شبهه علیه ما داشته باشند، ما ده هزار شبهه علیه آن‌ها داریم. اگر وهابیت یک جواب نقضی نسبت به ما داشته باشند، ما ده‌ها هزار جواب نقضی برای آن‌ها داریم.

ما بارها اعلام کردیم که هر شبهه‌ای دارید مطرح کنید، زیرا شیعه برای آن پاسخ دارد. در مقابل، ما ده شبهه مطرح می‌کنیم، اما آن‌ها به یک شبهه هم نمی‌توانند جواب دهند.

عدم توانایی وهابیت در پاسخگویی به شبهات شیعیان این است که مذهب شیعه تنها مذهبی است که معارف و مبانی اعتقادی آن برخاسته از متن قرآن و سنت راستین محمدی (صلی الله علیه و آله) هست.

بنده به خاطر دارم در سال ۱۳۸۵ یا ۱۳۸۶ در مکه مکرمه بودیم و جلسه‌ای با علمای عربستان سعودی و شیعیان سوریه داشتیم. آنها قضیه‌ای را نقل کردند که برای بنده خیلی جالب بود که ما هم بارها نقل کردیم. آن‌ها نقل می‌کردند:

در دانشگاه تورنتو کانادا استادی یهودی تدریس می‌کرد. او از نظر بیان، بیان سحر انگیزی داشت و از نظر جذب دانشجو، نفر اول جذب دانشگاه بود به طوری که موجی ایجاد کرده بود.

عربستان سعودی هزینه‌ها و تبلیغات زیادی روی او می‌کند و روی او کار می‌کند تا او را از دین یهودیت به اسلام و از اسلام به وهابی تبدیل می‌کند و بعد از آن ایشان را به «دانشگاه امام محمد بن سعود» دعوت می‌کنند تا تدریس کند.

یکی از علما که کاملاً در جریان قضایا بود و در جلسه ما حضور داشت، نقل می‌کرد که در مدت کمتر از شش ماه این استاد کل دانشگاه را تسخیر کرد. «دانشگاه محمد بن سعود» تنها دانشگاه عربستان سعودی است که ایدئولوگ‌پرور و لیدر پرور است.

فارغ التحصیلان این دانشگاه یا به عنوان امام جمعه و جماعت یا به عنوان عضو هیئت امر به معروف و نهی از منکر یا به عنوان نماینده رسمی عربستان سعودی به کشورهای دیگر برای تدریس و وعظ می‌روند.

این دانشگاه، دانشگاهی است که با دیگر دانشگاه‌ها مثل «دانشگاه اسلامی مدینه» قابل مقایسه نیست.

او می‌گفت: او در عرض شش ماه این دانشگاه را تسخیر کرد، اساتید را کاملاً به سمت خودش جذب کرد، دانشجویان را آن چنان به سمت خودش جذب کرده بود که وقتی کنفرانس می‌داد در آمفی تئاتر جای سوزن انداختن نبود.

از این استاد تقاضا می‌کنند: ما در اسلام مذهب دور افتاده‌ای داریم که ساخته و پرداخته یهود بوده که رافضی و شیعه نام دارد. شما کتابی در نقد مبانی رافضه و شیعه بنویسید تا ما این کتاب را هم کتاب درسی در دانشگاه‌ها قرار بدهیم و هم در سطح گسترده چاپ و منتشر کنیم.

این استاد استقبال می‌کند و می‌گوید: کتاب‌های این مذهب را برای مطالعه و نقد به من بدهید. وهابیت در جواب می‌گویند: مطالعه کتاب‌هایشان لازم نیست، زیرا «شیخ الاسلام ابن تیمیه» این مطالب را نقد کرده و کتاب «منهاج السنه» از اول تا آخر مطالب شیعیان هست.

ایشان می‌گویند: این کتاب به درد من نمی‌خورد. زیرا من اصل کتاب را می‌خواهم تا نقد کنم و بگویم که شیعیان در فلان کتاب، فلان جلد و فلان صفحه این مطلب را دارند. خلاصه ایشان اصرار می‌کنند و هیئت علمی «دانشگاه محمد بن سعود» هم زیر بار نرفتند.

ایشان می‌گویند: اگر کتاب‌های شیعیان را به من ندهید، من حاضر نیستم یک کلمه بنویسم. اعضای هیئت علمی دانشگاه در نهایت مجبور می‌شوند تعدادی از کتاب‌های «سید مرتضی»، «شیخ طوسی»، «علامه حلی»، «علامه مجلسی» را به او می‌دهند.

این استاد شش ماه تمام شبانه روز کار می‌کند سپس اعلام می‌کند که من می‌خواهم کنفرانس بدهم. اساتید و دانشجویها می‌آیند، ایشان پشت تریبون شروع به صحبت می‌کند و می‌گوید: "هیئت علمی دانشگاه از من چنین تقاضایی کرد. بنده شش ماه درباره مذهب مشهور به رافضه و شیعه تحقیق کردم و در نهایت به این نتیجه رسیدم تنها مذهبی که با قرآن و سنت تطبیق می‌کند عقائد مذهب شیعه هست."

پس از بیان این مطالب دانشگاه به هم می‌ریزد، او را دستگیر می‌کنند و به زندان می‌برند. سفیر کانادا می‌آید و با چه مصیبتی ایشان را از زندان خلاص و راهی لندن می‌کند.

من به دوستان پیشنهاد دادم که خوب است به هر هزینه‌ای ایشان را به ایران بیاوریم و از ایشان یک مصاحبه خوبی داشته باشیم. او یک موجود گرانقدری هست که با آن سوابق بعد از شش ماه به آن نتیجه می‌رسد. او مایه افتخار شیعه است!!

در مقابل افرادی امثال آقای «مؤید» به خاطر مسائل مالی و قضایای دیگر که من خجالت می‌کشم این‌جا مطرح کنم جذب وهابیت می‌شود. اگر وهابیت جیره این افراد را قطع کند، آنها از وهابیت دور می‌شوند و اگر صهیونیسم پول بیشتری به آنها بدهد جذب آنها می‌شود. یا اگر بهایی‌ها پول بیشتری به آنها بدهند جذب آنها می‌شود. این‌ها نان به نرخ روز می‌خورند!!

ولی در رابطه با آقای «سید مهدی موسوی» این قضایا نیست؛ زیرا من کاملاً روی ایشان و پدر و مادرشان شناخت دارم. یک سری شبهاتی برای ایشان مطرح شده بود، اما نتوانست به این شبهات جواب دهد. ضعف مبانی اعتقادی او باعث شد به دام وهابیت بیفتد.

او کسی نیست که به خاطر مسائل مالی یا مقام فریب وهابیت را بخورد، زیرا بنده که این مطالب را عرض می‌کنم ایشان و خانواده‌اش را کاملاً می‌شناسم. او مصداق اتم همان فرمایشی است که از مقام معظم رهبری بیان کردند. دوستان عزیز:

نداند به جز ذات پروردگار

که فردا چه بازی کند روزگار

آیا اگر برای من قزوینی و شمای بزرگوار همچین زمینه و قضایایی پیش بیاید چه کار خواهیم کرد؟ لذا یکی از اهم واجبات و اوجب واجبات آشنا شدن با شبهات و پاسخگویی به شبهات است.

بنده مشاهده کردم همین بحثی از ایشان چندی قبل ضبط کرده بودند را چند روز پیش یکی از شبکه‌های وهابی پخش کرد و من هم به دقت از اول تا آخر گوش کردم.

در آخر بنده به این نتیجه رسیدم که این بیچاره در اثر ضعف اطلاعات شیعی یک سری مطالبی از «ابن تیمیه»، «محمد بن عبدالوهاب»، «بن باز» و دیگران گرفته به طوری که حتی در حرف‌هایی که خود او می‌زد کاملاً تناقض بوده است؛ عین همین کاری که امروز وهابی‌ها دارند می‌کنند.

ما بارها به او گفتیم اگر ایشان برای مناظره حاضر باشد، مناظره‌ای حضوری در کشور ثالث برگزار می‌کنیم؛ یا خودمان می‌رویم یا دوستان ما با ایشان بنشینند و مناظره کنند.

بنده معتقدم و چک سفید امضاء می‌دهم که اگر ایشان دو ساعت با بنده بنشینند، در عرض دو ساعت تمام شبهاتی که برای ایشان پیش آمده را جواب دهیم؛ ایشان انسان سلیم النفسی است.

ما در دو جلسه حرف‌های ایشان را نقد کردیم؛ ایشان روی این قضایا تأملی داشتند و گفتند که اشتباه کرده‌ام و بعد از این با این شبکه‌ها هیچ‌گونه همکاری نخواهم داشت. او در طول این سه یا چهار ماه اخیر به وعده‌اش عمل کرده و با این شبکه‌ها هیچ‌گونه همکاری نداشته است.

تلاش ما بر این است که ایشان را به نوعی نجات دهیم؛ نباید چنین شود که اگر ایشان یک اشتباهی کرده ما هم چند بحث ضربتی داشته باشیم که ایشان در مقابل شیعه و حوزه‌های علمیه بخواهد موضع‌گیری تندی داشته باشد.

ما جلسات متعددی خدمت آیت الله العظمی سبحانی رسیدیم. همچنین با آقای «قاضی عسکر» و دوستان دیگر جلساتی داشتیم. نتیجه جلساتی که برگزار کردیم این شد که تمام شبهات وهابیت را در ۵۰ شبهه خلاصه کردیم که ۲۵ شبهه در اولویت یک و ۲۵ شبهه در اولویت دو دسته‌بندی شده است.

بنده با بیش از ۳۰ سال سابقه و بیش از ۲۰۰ جلسه مناظره در خاک عربستان قطعی عرض می‌کنم که اگر کسی این ۵۰ شبهه را خوب متوجه شود دیگر گرفتار نخواهد شد.

به عبارت دیگر طبق فرمایشات مقام معظم رهبری شخص باید هم شبهه را خوب متوجه شود و هم بتواند خوب از عهده پاسخگویی برآید تا جواب‌ها تقلیدی نشود.

اینکه جواب فلان آقا را کپی پیست کنیم فایده‌ای ندارد همچنان که در حال حاضر رساله‌های ما از بالا تا پایین کپی پیست می‌شود. بنابراین اگر کسی بتواند به این ۵۰ شبهه را جواب دهد ملکه پاسخگویی به شبهه برایش حاصل می‌شود و در زمینه پاسخگویی به شبهات مجتهد خواهد بود.

ما عمدتاً این شبهات را در «شبکه جهانی ولایت» مطرح کردیم و در کلاس‌های مختلفی که داشتیم برای دوستان بیان کردیم. ما در حال حاضر برای فارغ التحصیلان تخصصی طراحی‌هایی انجام می‌دهیم.

ما برای فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت، مذاهب، شیعه شناسی و غیره دوره‌هایی برگزار خواهد شد به طوری که درس نامه و محتویات این ۵۰ شبهه درست شده و دوستان در حال تکمیل فایل پاورپوینت این مباحث هستند. همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند افرادی در نرم افزار مشکل دارند. بحثی که انسان بتواند با پاورپوینت کار کند تأثیر دیگری می‌گذارد.

به عنوان مثال ما دیروز در شیراز بودیم که نزدیک به ۵۰۰ نفر از اساتید دانشگاه‌ها، ائمه جمعه و اساتید حوزه‌های استان فارس بوده‌اند. من برای این افراد یک ساعت و نیم صحبت کردم به طوری که اگر این مطالب را بدون پاورپوینت می‌گفتم در ۵ جلسه هم نمی‌توانستم عرض کنم.

بنابراین استفاده از پاورپوینت و امکانات نرم افزاری هم تنوع بخش است و هم باعث می‌شود مطالب برای طرف مقابل ملموس‌تر شود.

انشاءالله ما تلاش می‌کنیم از ابتدای سال تحصیلی ترتیب این کار را بدهیم، زیرا ما سال‌های گذشته مشکل مکان داشتیم که حل شد. ما مقداری مشکل مکان داشتیم که به برکت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا در حال برطرف شدن هست.

انشاءالله وقتی که این برنامه‌ها انجام شود تلاش می‌کنیم آن‌ها را روی سایت «مؤسسه ولی عصر» هم بگذاریم. فایل پاورپوینتی که دوستان ملاحظه می‌کنند ۳۳۶ صفحه است و همان‌طور که عزیزان ملاحظه کنند نزدیک به ۴۰۰ صفحه تصویر کتاب از کتب اهل سنت داریم.

ما به دوستان قول دادیم که این فایل امروز در سایت «مؤسسه ولی عصر» گذاشته می‌شود. شاید برای این فایل بیش از ۵۰۰۰ ساعت وقت گذاشته شده است.

در این فایل شش بحث اثباتی و هفت بحث دفاعی مطرح شده است؛ حدیث غدیر و امامت حضرت علی، کثرت طرق و روایت حدیث غدیر، حدیث غدیر در صحاح و سنن، دلالت حدیث غدیر بر امامت امیرالمؤمنین که تقریباً رکن رکن بحث ما همین دلالت حدیث غدیر بر امامت امیرالمؤمنین است و اختلاف اساسی ما با وهابیت هم روی همین موضوع است.

ما تلاش کردیم این فایل را با همان سلیقه طلبگی شکل کنیم که برای مخاطب واضح باشد. به عنوان مثال وقتی به موضوع هم‌نوعی ولایت پیامبر با امیرالمؤمنین رسیدیم تصویر کتاب «مسند احمد بن حنبل» را روی آنتن می‌بریم تا نگویند که شما می‌گویید، اما ما گشتیم و پیدا نکردیم!!

من یک شب حدود سه ساعت و نیم در کنار بیت الله الحرام با دانشجویان «دانشگاه ام القری» بحث داشتیم و موضوع بحث ما ولادت امیرالمؤمنین در کعبه بود. بنده گفتم: در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» جلد ۳ صفحه ۵۵۰ این عبارت آمده است.

فرداشب مسئولشان آمد و گفت: یا شیخ! من امروز شش ساعت در کتابخانه این کتاب را زیرورو کردم، اما اصلاً کتاب «مستدرک» ما جلد ۳ ندارد. بنده گفتم: جلد ۳ این کتاب که ما داریم چاپ بیروت و با تحقیق «دکتر مرعشلی» است.

او گفت: امکان دارد من به هتل شما پیام و با نرم افزار این کتاب را به من نشان بدهید؟! او می‌گوید: من نمی‌توانم بگویم شما دروغ می‌گویید و از طرف دیگر هم رفتم، اما این کتاب را پیدا نکردم.

بنده دست ایشان را گرفتم، به هتل آوردم و نرم افزاری که از مکه خریده بودم را آوردم، کتاب را به او نشان دادم و گفتم: درست هست؟! گفت: "بله" و سپس گفت: مطلبی از «بخاری» در تاریخشان آوردید که او معتقد به امامت حضرت امیرالمؤمنین نبوده است؛ آن را هم نشان دهید.

بنده چندین روایت آوردم و ایشان یادداشت کرد؛ گویا تمام دنیا را به او داده‌اند. او در نهایت گفت: این همه آثار در کتاب‌های ما آمده، اما متأسفانه نه خودمان خبر داریم و نه اساتید ما این مطالب را به ما گفته‌اند.

بنابراین وقتی ما کتاب را نشان می‌دهیم قضیه کاملاً مشخص می‌شود. به عنوان مثال در کتاب «مسند احمد بن حنبل» چاپ مؤسسه رسالت با تحقیق «شعیب الأرئووط» یکی از وهابی‌های سرشناس جلد ۱ صفحه ۱۱۸ وارد شده است:

«أَلَيْسَ اللَّهُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ قَالُوا بَلَىٰ قَالِ اللَّهُمَّ مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَىٰ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ وَالَاهُ وَعَادٍ مِنَ

عَادَاهُ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة -

مصر، ج ١، ص ١١٨، ح ٩٥٠

او در پاورقی می‌گوید: روایت صحیح است. همچنین در کتاب «الاحادیث صحیحه» اثر «ناصر الدین ألبانی» که از او به «بخاری دوران» تعبیر می‌کنند همین روایت وارد شده است.

شاید کسی در طول این ۸۰۰ سال همانند «ألبانی» چنین به وهابیت خدمت نکرده باشد. او آثار وهابیت را زنده کرد؛ از جمله این آثار کتاب «سلسله الاحادیث صحیحه» است که در جلد ۴ صفحه ۳۳۸ همین تعبیر وارد شده است.

البته هدف ما این بود حدیثی که نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) در غدیر مطرح کرده است یعنی: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ» قبل از آن به ولایت تامه خودش اشاره کرده است. قرآن کریم در سوره احزاب آیه ۶ می‌فرماید:

(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خود آن‌ها اولی است.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۶

اگر شما از اول تا آخر قرآن کریم را ملاحظه کنید، خواهید دید بالاترین مقامی که خدای عالم برای پیغمبر اکرم بیان کرده همین آیه است. به بیان بهتر ولایت پیغمبر بر مؤمنین از ولایت خود مؤمنین بر مؤمنین بیشتر است. همچنین در کتاب «کشاف» اثر آقای «زمخشری» و همچنین تفسیر بیضاوی وارد شده است:

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ فِي كُلِّ شَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا مِنْ أَنْفُسِهِمْ»

الكشاف عن حقائق التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل، اسم المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمر

الزمخشرى الخوارزمي، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: عبد الرزاق المهدي؛ ج ٣، ص

٥٣١؛ الأحزاب: (٦) النبي أولى بالمؤمنين

این بالاترین مقام برای نبی مکرم است که سر منشأ تأسیس حکومت اسلامی، اجرای حدود، و دفع ظلم است.

هرچیزی که ما امروز به دنبال آن هستیم در این آیه نهفته است. نبی مکرم اسلام قبل از این که بگوید:

«من كنت مولاة فعلى مولاة»

می فرماید:

«أليس الله أولى بالمؤمنين من أنفسهم قالوا بلى»

رسول گرامی اسلام در جای دیگری می فرماید:

«أستم تشهدون أنى أولى بكل مؤمن من نفسه قالوا بلى»

پیغمبر اکرم بلافاصله می فرماید:

«فمن كنت مولاة فان عليا مولاة»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت، ج ٥، ص ٢١٠ - ٢١٢، باب ذكر افاضته إلى البيت العتيق

فرمایش آن بزرگوار نشان می‌دهد که ولایت علی ابن ابی طالب در مسیر ولایت نبی مکرم است که: «أولى بالمؤمنين في أمر دينهم و دنياهم و آخرتهم»

این نکته‌ای است که ما باید در اینجا روی آن کار کنیم. نکته دیگری که در اینجا وجود دارد و من گذرا آن را بیان می‌کنم این است که معمولاً ما در بحث غدیر همان حدیث:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

را مطرح می‌کنیم. وهابیت روی کلمه «مَوْلَاهُ» شبهاتی دارند که اگر فرصت شود بنده به همین شبهه هم اشاره می‌کنم. این شبهه جواب بسیار ساده و عوام پسند دارد که وقتی شما این جواب را مطرح کنید از یک بچه پنج ساله گرفته تا یک پروفیسور دانشگاه همه می‌فهمد.

اصلاً ما کاری نداریم که نبی مکرم اسلام حدیث:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

را گفته یا نگفته و آن را کنار می‌گذاریم، اما پیغمبر اکرم در غدیر وایژه‌های دیگری به کار برده و تنها: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» را بیان نکرده است. مشاهده کنید در کتاب «بحر الذخار» اثر «بزار» وارد شده است که رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

«ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟، من كنت وليه فإن عليا وليه»

البحر الزخار - مسند البزار، مصدر الكتاب: موقع جامع الحديث، ج ٣، ص ٤٨٤، ح ١٠٧٣

شما اگر با «مولی» مشکل دارید، با «ولی» که نمی‌توانید مشکل داشته باشید. همچنین در کتاب «مجمع الزوائد» اثر «هیثمی» جلد ٩ صفحه ١٠٧ وارد شده است:

«من كنت وليه فعلى وليه»

در مورد سند روایت وارد شده است:

«رواه البزار ورجاله ثقات»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن أبی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار الكتاب

العربی - القاهرة، بیروت - ١٤٠٧، ج ٩، ص ١٠٧، باب قوله من كنت مولاه

نکته‌ای که عزیزان باید دقت کنند این است که بعضی از اعظم به دنبال این هستند که کمیت را در بحث بیشتر کنند. اما من صددرصد با این کار مخالفم. ما در استدلال خود باید روی کیفیت کار کنیم. ما باید یک یا دو دلیل، اما محکم و محکمه پسند با بررسی سندی داشته باشیم.

ما باید یا خود روایت را بررسی سندی کنیم و در مورد تک تک روایان بحث کنیم و یا نظر یکی از بزرگان اهل سنت که روایت را تصحیح کرده بیان کنیم.

در حال حاضر ترفند وهابیت این است که اگر شما ٥٠ روایت هم نقل کنید با یک جمله شما را خلع صلاح می‌کند و می‌گوید که این روایات همه ضعیف و جعلی است!! خوب شما چه جوابی برای گفتن دارید؟! هیچ جوابی نخواهید داشت. اگر شما بخواهید یک روایت را بررسی سندی کنید باید ٥ تا ٦ ساعت وقت تلف کنید.

زمانی که بنده با مفتی اعظم عربستان سعودی در طائف بحث داشتم که جناب آقای «نواب» هم حضور داشتند، ایشان ابتدا گفتند: "شما بهتر اسلام را می‌فهمید یا صحابه؟! " گفتم: "ثم ماذا؟"

او در ادامه گفت: ما یک مورد هم نداریم که صحابه کنار قبر پیغمبر متوسل شده باشند و «یا رسول الله» و «یا علی» گفته باشند.

بنده چند روایت از «سنن بیهقی»، «دلائل الإمامه»، «دلائل النبوة» و دیگر کتب خواندم و ایشان گفت: "تمام این روایات ضعیف و جعلی است!!"

بنده همانجا بلافاصله گفتم: "شما ادعا می‌کنید روایت ضعیف و جعلی است درحالی‌که آقای «ابن حجر عسقلانی» یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت در کتاب «فتح الباری» جلد ۲ صفحه ۴۱۲ معتقد است روایتی که «بلال بن حارث» کنار قبر پیغمبر آمد و متوسل شد صحیح است!!"

آقای «ابن کثیر دمشقی» سلفی شاگرد «ابن تیمیه» در کتاب «البدایة والنهایة» جلد ۷ صفحه ۱۰۵ می‌گوید: این روایت صحیح است."

وقتی بنده با قاطعیت این مطالب را بیان کردم او همانند ماشینی که چرخش می‌افتد و گیر می‌کند، گفت: این کتب را بیارید تا ببینیم این شیخ راست می‌گوید یا دروغ می‌گوید. اطرافیان او کتب را آوردند و گفتند: «ابن حجر» و «ابن کثیر» هر دو معتقدند که این روایت صحیح است.

این بنده خدا آن چنان بی‌تاب شده بود و بهم می‌پیچید تا جایی که چند تن از معاونینش به او اعتراض کرد که شما جواب بده. ایشان شروع کرد که مبنا و مقدمات شرک این است و فلان است و... بنده گفتم: شما روایت «ابن حجر» و «ابن کثیر» را جواب بده!!

آن‌ها شروع به داد و فریاد کردند. بنده به آقای «نواب» گفتم: آقای «نواب»! ما کار خودمان را کردیم؛ قبل از اینکه ما را به زندان یا بالای چوبه دار ببرند مثل بچه آدم برویم. خلاصه خداحافظی کردیم و رفتیم.

لذا دوستان عزیز اگر شما ۵۰ روایت هم بخوانید وهابیت با یک جمله شما را خلع سلاح می‌کنند که این روایت جعلی و دروغ است. ولی اگر روایت آوردید و بررسی سندی هم شد این یکی از فنون مناظره در بحث با مخالف چه سنی و چه وهابی است.

ما این روایت را آوردیم و در اینجا هم «هیثمی» می‌گوید:

«رواه البزار ورجاله ثقات»

برای ما کفایت می‌کند. این روایت همچنین در کتاب «البدایه و النهایه» شاگرد «ابن تیمیه» نقل می‌شود و می‌گوید:

«ومن كنت وليه فهذا وليه»

همچنین در مورد سند این روایت وارد شده است:

«وهذا اسناد جيد»

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بیروت، ج ۵، ص ۲۱۰، باب ذکر افاضته إلى البيت العتيق

دیگر وقتی شاگرد «ابن تیمیه» سند این روایت را چنین مطرح می‌کند مطلبی برای گفتن باقی نمی‌ماند. همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«من كنت أولى به من نفسه فعلى وليه»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن ابی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار الكتاب

العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۶۴، باب فی فضل أهل البيت

مشاهده کنید این تعبیر بسیار زیباست. در روایت دیگری وارد شده است:

«من یکن الله ورسوله مؤلیاه فإن هذا مؤلاه»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سلیمان بن أحمد بن آیوب بن القاسم الطبرانی، دار النشر: مكتبة الزهراء -

الموصل - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، الطبعة: الثانية، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۲۵۰۵

همچنین در روایت دیگر آمده است:

«من كنت مولاة فهذا ولیه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار

الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۱۸،

ح ۴۵۷۶

کاملاً روشن است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کلمه «ولی» را با عبارتهای مختلف در غدیر خم مطرح کرده است.

ما از وهابیت سؤال می‌کنیم آیا کلمه «ولی» مثل کلمه «مولى» هفتاد معنا دارد یا انصراف در خلافت و حکومت

دارد؟! اگر آنها بگویند «ولی» به معنای دوست است، می‌گوییم: این کتاب «صحیح مسلم» چاپ بیروت جلد ۳

صفحه ۱۳۷۸ از قول خلیفه دوم می‌گوید:

«فلما تُؤْفَى رسول الله قال أبو بكرٍ أنا ولي رسول الله»

چرا خلیفه دوم نگفت: "انا خلیفه رسول الله"، "انا الحاکم بعد رسول الله"، "انا الإمام بعد رسول الله" و از کلمه «ولی» استفاده کرد؟!

آیا «ولی» به معنای خلیفه و حاکم است یا خیر؟! اگر بگویید «ولی» به معنای خلیفه و حاکم است نیست قطعاً همه می دانند دروغ می گویند و اگر هست چطور کلمه «ولی» در کلام ابوبکر و عمر به عنوان خلیفه است، ولی در کلام پیامبر به عنوان دوست است؟ باز خلیفه دوم می گوید:

«ثُمَّ تُؤْفَى أَبُو بَكْرٍ وَأَنَا وَلِي رَسُولِ اللَّهِ وَوَلِي أَبِي بَكْرٍ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۳۷۸، ح ۱۷۵۷

مشاهده کنید خلیفه دوم از کلمه «ولی» استفاده کرده است. همچنین در کتاب «البدایة و النهایة» وارد شده است که خلیفه اول در اولین سخنرانی خود می گوید:

«أیها الناس فانی قد ولیت علیکم»

ای مردم من ولی امر شما شده‌ام.

او نمی گوید: «استخلفت علیکم» یا «صرت حاکما لکم» یا «أنا صرت اماما لکم» و تنها از کلمه «ولی» استفاده می کند. آقای «ابن کثیر» هم می گوید:

«وهذا إسناد صحیح»

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت، ج ٥، ص ٢٤٨، باب قصة سقيفة بني ساعدة

بنابراین در بحث غدیر در قسمت اثباتی تلاش می‌کنیم از واژگان دیگری که نبی مکرم استفاده کرده استفاده کنیم. همچنان که حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) در این خصوص تعبیری دارد که می‌فرماید:

«هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ لِأَحَدٍ عُذْرًا؟!»

آیا پدرم در روز غدیر خم برای کسی عذری هم گذاشت؟!!

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ٣٠، ص

١٢٤، ج ٢

لذا یکی از نکات حدیث غدیر این است که رسول گرامی اسلام به این واسطه بر همگان اتمام حجت نمود.

در مورد شبهات هم حرف برای گفتن زیاد است؛ شبهه‌ای که در حال حاضر بیشتر مطرح می‌کنند ماجرای شکایت جیش یمن است. از حدود هشت سال پیش تاکنون در رسانه‌های وهابی و فضای مجازی ادعا می‌شود که ماجرای غدیر خم اصلاً قضیه خلافت نبود.

حضرت علی به یمن رفته بود و در آنجا با سپاهش درگیر شد. سپاه از علی بغض و کینه داشتند به همین خاطر پیغمبر اکرم در سرزمین جحفه آمد و فرمود: "ای مردم! علی آدم خوبی است؛ هر کس من را دوست دارد علی هم دوست داشته باشد." کدورت‌ها بر طرف شد و تمام شد.

وهابیت روی این شبهه بسیار زیاد مانور می‌دهند. ظاهراً قرار شد بعد از ظهر برادر عزیز و توانمندمان آقای «توحیدی» این شبهه را پاسخ بدهند. به همین خاطر من به این قضیه به هیچ وجه اشاره نمی‌کنم.

«ابن تیمیه» می‌گوید: "حدیث غدیر صحیح نیست" این شبهه اصلاً ارزش حرف زدن ندارد، زیرا حدیث غدیر حدیثی متواتر است. «ابن کثیر دمشقی» در کتاب «البدایة و النهایة» جلد ۵ صفحه ۲۱۳ می‌گوید:

« قال شيخنا الذهبي هذا حديث حسن »

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت؛ ج ۵، ص ۲۱۳

در جای دیگر می‌گوید:

و صدر الحديث متواتر أتيقن أن رسول الله قاله

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف -

بيروت؛ ج ۵، ص ۲۱۴

دوستان من بارها به رفقا گفته‌ام هر آنچه که جزء ضروریات امامت و ولایت هست را باید حفظ باشیم. شاید به اندازه یک جزء قرآن بیشتر نشود. استدلال به امامت امیرالمؤمنین در قرآن و سنت، بحث حدیث غدیر و دیگر مباحث و روایات به اندازه یک جزء قرآن است که تلاش کنیم آن را با جلد و صفحه حفظ کنیم.

به عبارت دیگر قبل از اینکه متن روایت را حفظ کنیم آدرس آن را حفظ کنیم. بنده تجربه دارم وقتی انسان مطلب را با جلد و صفحه بیان می‌کند تأثیر گذاری کلام را چندین برابر بالا می‌برد. البته اگر بتوانیم شماره حدیث، فصل و باب آن را هم بگوییم نور علی نور است.

ان شاء الله اگر خدا توفیق بدهد تصمیم داریم احادیثی که ضرورت دارد در حوزه نشر معارف دین و پاسخ به شبهات حفظ کنیم در جزوه‌ای آماده شود بلکه تا آخر امسال چاپ شود و در اختیار دوستان قرار بگیرد.

بنده قول داده بودم در رابطه با کلمه «مولى» که وهابیت روی آن خیلی کار می‌کنند دو مطلب را به صورت گذرا عرض کنم؛ مطلب اول این است که «آمدی» می‌گوید:

«ولا يمكن حمل لفظ المولى على الأولى»

غاية المرام فى علم الكلام، اسم المؤلف: على بن أبى على بن محمد بن سالم الأمدى، دار النشر: المجلس

الأعلى للشئون الإسلامية - القاهرة - ١٣٩١، تحقيق: حسن محمود عبد اللطيف، ج ١، ص ٣٧٨، باب الطرف

الأول فى وجوب الإمامة وما يتعلق بها

ما می‌گوییم: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ» به معنای این است: «من كنت أولى من نفسه فعلى أولى من نفسه»؛

ایشان می‌گوید: «مولى» به معنای «أولى» نیامده است. ما به این افراد جواب دادیم: "تعدادی از ائمه عرب و

لغویین و نحویین و مفسرین گفته‌اند که «مولى» به معنای «أولى» است."

آقای «فخر الدین رازی»، از «کلبی»، «زجاج» از «فراء» «ابو عبیده» که از بنیان گذاران ادبیات عرب هستند در

ذیل آیه شریفه:

(هِيَ مَوْلَاكُمْ وَ بَيْتُ الْمَصِيرِ)

و همان سرپرستان می‌باشد و چه بد جایگاهی است.

سوره حدید (۵۷): آیه ۱۵

نظراتی داشتند:

«قال الكلبى: يعنى أولى بكم، وهو قول الزجاج والفراء وأبى عبيدة»

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م، الطبعة: الأولى، ج ۲۹، ص ۱۹۸، باب الحديد: (۱۵) فالיום لا يؤخذ... ..

همچنین «ابو حيان اندلسی» همین تعبیر را در کتاب «البحر المحيط» یکی از تفاسیر معتبر و طراز اول اهل سنت دارد و می‌گوید:

«وقال الكلبى: أولى بنا من أنفسنا فى الموت والحياة»

تفسير البحر المحيط، اسم المؤلف: محمد بن يوسف الشهير بأبى حيان الأندلسي، دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت - ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود؛ ج ۵، ص ۵۳، باب التوبة: (۳۴) يا أيها الذين... ..

ما مفصل بیان کردیم که این بزرگان چه کسانی هستند. همچنین در مورد محدثین هم به سراغ «آقای بخاری» رفتیم. در کتاب «صحيح بخارى» حديث ۴۵۹۹ وارد شده است:

«(جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ) مُعَمَّرِينَ فِيهِ (مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) مِنَ الضَّلَالَةِ إِلَى الْهُدَى (فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ) جُنَّةٌ وَسِلَاحٌ (مَوْلَاكُمْ)»

دیگر بسیار ظاهر و روشن است. ایشان به صراحت تعبیر می‌کند که مراد از (مَوْلَاكُمْ) یعنی:

«(الظَّاهِرُ) عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَلِمًا (وَالْبَاطِنُ) عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَلِمًا (انظرونا)»

و در ادامه می‌گوید:

«(مَوْلَاكُمْ) أَوْلَى بِكُمْ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٤، ص ١٨٥١، ح

٤٥٩٩

همچنین در کتاب «فتح الباری شرح صحیح بخاری» همین تعبیر وارد شده است:

«مولاكم أولى بكم قال الفراء في قوله تعالى ماواكم النار هي مولاكم يعني أولى بكم»

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار

النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ٨، ص ٦٢٨

بنابراین اینکه آقایان ادعا می‌کنند «مولی» به معنای «اولی» نیست کاملاً مشخص است. قرآن کریم در چند جا

کلمه «مولی» را آورده است؛

(اللَّهُ مَوْلَاكُمْ)

تکیه‌گاه و سرپرست شما خدا است.

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۵۰

و:

(هٰی مَوْلَاکُمْ)

و همان سرپرستان می‌باشد.

سوره حدید (۵۷): آیه ۱۵

و:

(أَنْتَ مَوْلَانَا)

تو مولا و سرپرست مایی.

سوره بقره (۲): آیه ۲۸۶

شما ببینید مفسرین اهل سنت در تفسیر این آیات همین تعبیر را دارند. آقای «طبری» در کتاب «تفسیر الطبری»

ذیل این آیه شریفه می‌نویسد:

«هٰی مَوْلَاکُمْ یَقُولُ النَّارُ أَوْلَىٰ بِکُمْ»

جامع البیان عن تأویل آی القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جریر بن یزید بن خالد الطبری أبو جعفر، دار

النشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۵، ج ۲۷، ص ۲۲۸، باب الحدید: (۱۵) فالیوم لا یؤخذ....

آقای «فخر رازی»، آقای «دهلوی»، «آقای ابن تیمیه»! شما که ادعا می‌کنید کلمه «مولی» به معنی «أولی» نیامده و ساخته و پرداخته شیعیان است؛ آیا «بخاری» رافضی است یا «کلبی» و «زجاج»؟! کدام یک از این افراد رافضی هستند؟!

تمامی آن‌ها از بنیانگذاران ادبیات شما و مفسران نامی شما هستند. ان شاءالله تا غروب این فایل را در سایت قرار می‌دهیم تا عزیزان بتوانند استفاده کنند.

مسئله دیگری که در این چند دقیقه باقی مانده به آن اشاره می‌کنم این است که چرا ولایت امیرالمؤمنین در مکه صورت نگرفت. امروزه این شبهه هم بسیار زیاد مطرح می‌شود و یکی از شبهات روز وهابیت است.

ما اولاً در خصوص زمینه‌سازی غدیر در خطبه‌های مکه مفصل بحث کردیم. به مجرد این که رسول اکرم به مکه می‌رسند تمام مقدمات را فراهم می‌کند تا ولایت علی ابن ابی طالب را اعلام کند.

مشاهده کنید که پیغمبر اکرم در روز عرفه مفصل خطبه می‌خواند و در آن جا بحث ثقلین را مطرح می‌کند:

«رأيت رسول الله في حجة يوم عرفة وهو على ناقته القواء يخطب فسمعتة يقول يا أيها الناس إني قد

ترکت فیکم ما إن أخذتم به لن تضلوا کتاب الله وعترتی أهل بیتی»

«ترمذی» در مورد سند روایت می‌نویسد:

«وهذا حدیث حسن»

الجامع الصحیح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عیسی الترمذی السلمی، دار النشر: دار إحياء

التراث العربی - بیروت --، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج ۵، ص ۶۶۲، ح ۳۷۸۶

ما در خطبه‌هایی که رسول اکرم در مکه بیان کرده این قضایا را به طور مفصل مطرح کردیم.

وهابیت ادعا می‌کنند که اگر پیغمبر اکرم می‌خواست ولایت امیرالمؤمنین را برای مسلمانان مطرح کند در مکه مطرح می‌کرد، زیرا همه در آن مکان حضور داشتند.

اینکه رسول گرامی اسلام این مطلب را در مکه مطرح نکرده و در منطقه جحفه مطرح کرده معلوم می‌شود که بحث ولایت و امامت مطرح نیست، زیرا اگر مطرح بود تمام مردم آنجا حضور داشتند.

ما در مورد دلهره رسول گرامی اسلام روایات متعددی از اهل سنت داریم. آن‌ها به صراحت آورده‌اند که جبرئیل در مکه بر پیغمبر اکرم نازل شده است و بحث ولایت امیرالمؤمنین را مطرح کرد. ولی پیامبر فرمود قوم من تازه از جاهلیت خارج شده‌اند.

در کتاب «شواهد التنزیل» اثر «حسکانی» که یکی از کتب معتبر اهل سنت است وارد شده است که جبرئیل می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَدُلَّ أُمَّتَكَ عَلَى حُجَّتِهِمْ فَفَعَلْ، ثُمَّ هَبْ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَدُلَّ أُمَّتَكَ عَلَى وَلِيِّهِمْ عَلِيٌّ

مِثْلَ مَا دَلَلْتَهُمْ عَلَيْهِ مِنْ صَلَاتِهِمْ وَزَكَاتِهِمْ وَصِيَامِهِمْ وَحُجَّتِهِمْ لِيَلْزِمَهُمُ الْحُجَّةَ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ»

اما نبی اکرم فرمودند:

«يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي قَرِيبُوا عَهْدًا بِالْجَاهِلِيَّةِ»

این عبارت از کتب اهل سنت است، نه شیعه! این عبارت همچنین در کتب «صحیح مسلم» و «صحیح بخاری» هم به کرات آمده است.

«وما منهم رجل إلا وقد وتره وليهم»

کمتر کسی اینجاست که علی بن ابی طالب اطرافیان او را با شمشیرش به درک واصل نکرده باشد.

«وإني أخاف»

و من می‌ترسم.

«فأنزل الله تعالى: (يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك وإن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله يعصمك

مِنَ النَّاسِ)»

تا اینکه خداوند متعال در روز غدیر خم فرمود: ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می‌دارد.

شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، نویسنده: الحاکم الحسکانی، جلد: ۱، وفات: ق ۵، رده: مصادر تفسیر سنی، خطی: خیر، تحقیق: الشیخ محمد باقر المحمودی، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۱ - ۱۹۹۰ م، ج ۱، ص ۲۵۴،

ح ۲۴۸

لذا بعد از این دلهره و تهدیداتی که صورت گرفت خداوند متعال این آیه را نازل کردند. ما نه یک روایت و دو روایت بلکه روایات متعدد داریم؛ شاید نزدیک ۵۰ روایت در این زمینه داریم. «سیوطی» می‌گوید:

«إن الله بعثني برسالة فضقت بها ذرعاً»

سینه‌ام تنگ شد دیدم اگر این پیام الهی را مطرح کنم قوم من در مقابلم می‌ایستند.

«وعرفت أن الناس مكذبي»

الدر المنثور في التأويل بالمأثور، المؤلف: عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي، مصدر الكتاب:

موقع التفاسير، ج ٣، ص ٤١٨، باب ٦٧

تا اینکه خداوند متعال در آیه ٦٧ از سوره مبارکه مائده فرمود:

(يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می‌دارد.

سوره مائده (٥): آیه ٦٧

نکته مهم این است که نبی اکرم می‌داند سرنوشت جهان اسلام در مدینه رقم می‌خورد. تمام مردم در اقصی نقاط جهان اسلام به مردم مدینه نگاه می‌کنند تا ببینند مهاجرین و انصار می‌خواهند چکاری انجام دهند. هر تصمیمی آنجا گرفته می‌شود تمام مردم تابع آن هستند.

بنابراین اولاً در مکه همه متفرق بودند و جمع کردن بیست هزار نفر کار آسانی نبود. در عرفات با وجود گرمای سوزانی که آن جا بوده، مردم در خیمه‌ها مشغول عبادت و مناسک حج هستند؛ کشاندن این افراد در یک جا کار سختی است و همچنین در منی هم به همین شکل است.

در منطقه جحفه نه خیمه‌گاهی است و نه عبادتی است. وقتی آیه شریفه:

(بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ)

نازل می‌شود، رسول گرامی اسلام توقف می‌کنند و می‌فرمایند: جلو رفته‌ها برگردند و عقب مانده‌ها برسند. همه مجبور هستند نماز جماعت را در همان جا بخوانند، در جماعت حضور پیدا کنند و بعد از آن هم راه گریزی نیست؛ همه باید بنشینند و سخنان نبی مکرم را گوش دهند.

عمدتاً تمام اهل مدینه که سرنوشت جهان اسلام به آن‌ها بستگی دارد در آنجا حضور داشتند. در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است که پیغمبر اکرم فرمود: من می‌بینم که فتنه‌ها تمام خانه‌های مدینه را فرا گرفته است و در آینده این فتنه‌ها از مدینه به جاهای دیگر می‌رسد.

مهم‌تر از همه، جواب سوم این است که پیغمبر اکرم تابع وحی است. جبرئیل در مکه آمد، اما زمانی که نگرانی پیامبر مطرح شد جبرئیل هم متقاعد شد و اصراری نبود.

این در حالی است که در منطقه جحفه وقتی پیامبر می‌بیند که جبرئیل آمده و با یک دنیا تهدید آمده و می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

تأمین هم این است که جبرئیل می‌فرماید:

(وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)

بنابراین مشاهده کنید بزرگان اهل سنت بیش از ۵۰ نفر آورده‌اند که این آیه در روز عید غدیر درباره ولایت علی بن ابی طالب مطرح شده است.

مشاهده کنید آقای «ابن ابی حاتم رازی» یکی از استوانه‌های تفسیری اهل سنت است که «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة النبوية» در جلد ۷ صفحه ۱۷۹ می‌گوید:

«و ابن جریر الطبری و محمد بن أسلم الطوسی و ابن ابی حاتم و ابی بکر بن المنذر و غیرهم من العلماء

الأكابر الذین لهم فی الإسلام لسان صدق و تفاسیرهم متضمنة للمنقولات آتی يعتمد علیها فی التفسیر»

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۷۹

در کتاب «تفسیر الطبری» جلد ۶ صفحه ۳۹۰ در رابطه با آیه شریفه:

إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است، و پیامبر او، و آن‌ها که ایمان آورده‌اند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال

رکوع زکات می‌پردازند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

مطرح می‌کند که این آیه در مورد امیرالمؤمنین نازل شده است. همچنین در کتاب «تفسیر ابن ابی حاتم» جلد ۴

صفحه ۱۱۷۲ می‌گوید آیه شریفه:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ)

در حق علی بن ابی طالب نازل شده است. همچنین آقای «آلوسی» سلفی تابع وهابیت در کتاب «روح المعانی»

جلد ۶ صفحه ۱۹۳ روایتی از قول «ابن مردویه» می‌آورد.

«ابن مردویه» که یکی از بزرگان اهل سنت است، مورد اعتماد همه مذاهب و متوفای ۴۱۰ هجری است از قول

«عبدالله بن مسعود» صحابی مفسر پیامبر نقل می‌کند:

«کنا نقرأ علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و سلم)»

ما همگی صحابه در عصر رسول الله (صلی الله علیه و آله) این آیه را چنین می‌خواندیم:

«یاأیها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک إن علیا ولی المؤمنین وإن لم تفعل فما بلغت رسالته»

(یاأیها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک) پیغمبر ولایت علی ولی مؤمنین را بر مردم ابلاغ کن که اگر این

ابلاغ صورت نگیرد رسالت ناتمام است.

روح المعانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الأوسی البغدادی، دار النشر: دار

إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۶، ص ۱۹۳، باب المائدة: (۶۷) یا أیها الرسول... ..

نویسنده در این روایت از «کنا» به معنای "ما صحابه" است و دلالت بر استمرار دارد.

پرسش:

اختلاف ما در تفاسیر بخاطر شأن نزول است. آیا طریق واحدی می‌توان به دست آورد که این اختلافات برچیده

شود؟

پاسخ:

ما آنچه که خودمان داریم که داریم و کاری به دیگران نداریم، خود «ابن تیمیه» و بزرگان آنان تصریح دارند بر اینکه

یکی از راه‌های فهم معانی آیات قرآن اطلاع از شأن بر نزول است.

ما از باب "اقناع خصم" و "أقامه الحجه على الخصم" روایاتی از کتب اهل سنت با سندهای معتبر نقل می‌کنیم و هرچه موافق ما بود می‌گیریم و هرچه مخالف ما بود را رد می‌کنیم، زیرا آنچه موافق ما هست را هم ما داریم و هم آن‌ها دارند.

شیعه و سنی بر مواردی اتفاق نظر دارد، بنابراین اجماع فریقین است. آن‌هایی که ما جداگانه داریم را شما قبول ندارید و آن‌هایی که شما دارید را ما قبول نداریم. ما از باب اقناع خصم آنچه به نفع ما هست را می‌گیریم همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید:

(قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ)

بگو اگر راست می‌گوئید تورات را بیاورید و بخوانید.

سوره آل عمران (۳): آیه ۹۳

این فرمایش قرآن کریم دلیل بر این نیست که پیغمبر اکرم و قرآن کریم تمام حرف‌های تورات را قبول دارند. شاید نود و نه درصد از مطالبی که در تورات وارد شده را پیغمبر اکرم قبول نداشته باشد و ما هم آن مطالب را کنار می‌گذاریم.

ما آنچه که پیغمبر اکرم قبول دارد و با اسلام هماهنگ است و اسلام و یهود آن را قبول دارند را می‌پذیریم. به عبارت بهتر قرآن این روش را به ما نشان داده که مجمع علیه دو دین را قبول کنیم و روش معقول هم همین است.

پرسش:

اختلاف بین مفسرین شیعه را باید چه کار کنیم؟

پاسخ:

به عقیده بنده اختلاف بین مفسرین شیعه زیاد نیست، اما در اینجا باید ببینیم اتقن مفسرین چه کسانی هستند. ما قول اتقن و احفظ مفسرین را قبول می‌کنیم و اقوال دیگر مفسرین را رد نمی‌کنیم، بلکه در بقعه امکان می‌گذاریم تا برای آن‌ها توجیهی درست کنیم.

اگر در فقه هم مشاهده کنید خواهید دید کمتر مسئله فقهی وجود دارد که فقهای ما در آن اختلاف نکرده باشند.

ما در این زمینه معتقد هستیم طلبه‌ای که می‌خواهد وارد بحث‌های شبهاتی شود باید از قدرت نحو، صرف، منطق و معانی بیان قوی برخوردار باشد و در نحوه استدلال مسلط باشد. همچنین فقه و اصول او باید در حدی قوی باشد که مجتهد متجزی باشد.

وقتی طلبه‌ای مجتهد متجزی شد می‌تواند تشخیص بدهد قول فلان مفسر صحیح است و از نظر سند و انطباق بر قرآن و مسلمات فقهی و عقیدتی با ادله شیعه تطبیق می‌کند یا تطبیق نمی‌کند.

مشکل ما این است که ما همه را مقلدا قبول داریم؛ چرا شیعه هستیم؟! زیرا پدر و مادرمان شیعه بودند. چرا سنی هستیم؟! زیرا پدر و مادرمان سنی هستند. الفبای ما از ابتدا با تقلید آغاز شده و در کارهای علمی هم می‌خواهیم با تقلید جلو برویم.

اگر این مسئله برای ما حل شود، همه مسائل حل می‌شود. اگر ما پایه علمی طلبه‌ها را قوی کنیم بسیار برای ما مفید است. در مسئله پاسخ به شبهات اولین چیزی که مدنظر است صاحب نظر بودن است. در بحث رجال مادامی که مقلد باشید نمی‌توانید کار به جایی ببرید.

در حال حاضر ما بیش از دو هزار روایت از «سهل بن زیاد آدمی» داریم. «شیخ طوسی» که یکی از استوانه‌های رجالی شیعه است، در کتاب «فهرست» او را ضعیف و در کتاب «رجال» او را ثقه خطاب می‌کند. با این نظر چکار می‌کنید؟! در اینجا اختلاف دو فقیه هم نیست، بلکه اختلاف یک نفر است. بنابراین اگر ما صاحب نظر نباشیم قطعاً کمیت ما لنگ است.

بنده به خاطر دارم در سال ۱۳۵۶ یک سال قبل از انقلاب درس اصول نزد آیت الله العظمی وحید خراسانی در مسجد سلماسی می‌رفتیم.

وقتی ایشان به یک روایت از «سهل بن زیاد» رسید، یک هفته یعنی پنج روز و هر روز بحث خارج خود را اختصاص دادند به اینکه آیا «سهل بن زیاد» ثقه است و روایاتش معتبر است یا ضعیف است و روایاتش غیرمعتبر است؟ ایشان بعد از یک هفته جمله «سید بحر العلوم» را تکرار کردند:

«الأمر فی السهل سهل»

بنده روز آخر جمله ایشان را به خاطر دارم. آقای «خوئی» در کتاب «معجم رجال الحدیث» درباره «سهل بن زیاد» یک جا توثیق او را ثابت می‌کند و جایی دیگر تضعیف او را ثابت می‌کند.

کم کم وقت نماز نزدیک می‌شود و ما دوست داشتیم بخشی از زمان خود را به سؤالات عزیزان اختصاص بدهیم. ان‌شاءالله ما همین امروز تلاش می‌کنیم فایل پاورپوینت را در «سایت مؤسسه ولی عصر» بگذاریم تا دوستان بعد از نماز مغرب بتوانند این فایل را دانلود کنند.

جلسه به نام حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بوده و قطعاً در این جلسات دعا به اجابت می‌رسد، ملائکه آمین می‌گویند و خود آن بزرگوار و حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیه) آمین می‌گویند. چند تا دعا کنیم.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی امیرالمؤمنین فرج فرزند آن بزرگوار حضرت حجة بن الحسن (ارواحنا له الفداه) را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص، سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده.

خدایا قلب نازنین حضرت بقية الله الأعظم را از ما راضی بگردان. انقلاب ما را به انقلاب جهانی آن بزرگوار متصل بفرما.

خدایا تمام خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهلبیت در هر لباس و منصبی هستند بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

خدایا به آبروی امیرالمؤمنین رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا حوائج همه را برآورده نما. خدایا به آبروی امیرالمؤمنین حوائج جمع ما را هم برآورده نما و دعاهاى ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح انبیاء، اولیاء، صدیقین، شهداء بالأخص امام راحل صلوات